در جنگ غزه، تهران با کمک متحدانش با «وحدت میدان‌ها»، تل‌آویو و غرب را زمین‌گیر کرد

ایران چگونه محور مقاومت را ساخت؟

یوم الوفا .. للأرض
دائرة البقاع الثالثة (بعلبك / الهرمل)

ایران هسته یک محور است؛ هسته محوری که گروهی از کشورهای همسایه در مدار آن توزیع شده‌اند اما از نظر زبانی، قومی و مذهبی با آن ارتباطی نداشتند. برجسته‌ترین ویژگی‌های نقش ایران در این محور- که امروزه از آن به «محور مقاومت» یاد می‌شود- متاثر از پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس الگوی سیاست خارجی کشور ایران در خارج از مدار آمریکا و غرب است. مرکز پژوهش و توسعه الاتحاد ufeed در تحلیلی به نقش ایران در محور مقاومت با تمرکز بر تجربه طوفان الاقصی پرداخته است. این مرکز به این جمع‌بندی رسیده که ایران مسئولیت بزرگی برعهده دارد و نقش‌های اساسی و یکپارچه در ساخت حرکت صعودی محور به‌عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر ایفا می‌کند. ایران قلبی است که بدون آن کشورهای محور معنا ندارند؛ این رابطه در تجربه طوفان الاقصی در میدان خود را به نمایش گذاشت.

عمق استراتژیک

مجموعه عوامل مشترکی در حمایت از عمق استراتژیک ایران در داخل و خارج وجود دارد؛ مانند زبان، دین و مذهب. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، «ملت‌های مسلمان» را «عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی» می‌خواند. او این عمق را در محدوده‌ای «از شمال آفریقا تا شرق آسیا» تعریف کرده است. در مورد محور مقاومت، عمق استراتژیک مبتنی بر نقطه مشترک دشمنی با استکبار، آمریکا و رژیم صهیونیستی است. عمق استراتژیک محور مبتنی بر سه مکانیسم اساسی است؛ بازدارندگی دربرابر رژیم؛ شبکه روابط بین اعضای محور مقاومت و توانایی منازعه پنهان در منطقه خاکستری با عملیات «قابل انکار و کم‌هزینه.» این مثلث عمق راهبردی محور را فراهم می‌کند؛ عمقی که آمریکا پس از جنگ سرد از طریق نزاع، اختلاف و درگیری به دنبال ناکارآمد کردن آن با هدف حفظ امنیت رژیم صهیونیستی بود. عمق استراتژیک ایران به‌عنوان عمق استراتژیک «بی‌نظیر» در میان کشورهای منطقه توصیف می‌شود که در افزایش اهمیت منطقه‌ای، شکل‌گیری موازنه قدرت جدید در آن و تشدید اقدامات مقابله با رقبای سنتی منطقه‌ای منعکس شده است. عمق راهبردی در روابط ایران با اعضای محور با انسجام در نقش‌های منطقه‌ای و تقاطع با ویژگی تبادل دوطرفه مشخص می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نقش‌ها و کارکردهای مختلف ایران در این محور، عمق راهبردی را برای بقیه اعضا فراهم می‌کند و اعضا عمق استراتژیک آن را نیز تشکیل می‌دهند. گسترش در کشورهای عراق، سوریه و لبنان عمق استراتژیک منطقه‌ای را فراهم کرد و در مقابل، ایران نیز عمق استراتژیک لجستیکی و نظامی برای گروه‌های مقاومت است، به‌عنوان مثال مسیر تدارکاتی بیروت- تهران به ایجاد عمق استراتژیک حزب‌الله در لبنان کمک می‌کند. در مقابله با داعش، ایران با تمام توان از سوریه حمایت کرد تا از سقوط این کشور عربی مقاوم جلوگیری کند. همچنین با مذاکره، تسلیح و تامین مهمات و درنهایت فرماندهی مقابله با پروژه تکفیری، به عراق کمک کرد. آمریکا مدعی است در جنگ علیه غزه، کشتی‌های ایرانی در دریای سرخ اطلاعات لازم را برای هدف قرار دادن کشتی‌های به مقصد سرزمین‌های اشغالی داده‌اند.

از سوی دیگر، عراق و سوریه عمق استراتژیک جغرافیایی ایران را تشکیل می‌دهند. اهمیت عمق استراتژیک سوریه برای ایران در اظهار دریابان علی شمخانی در سال ۲۰۱۸ تایید شده است: «ایران، امنیت سوریه را معادل امنیت خود تلقی می‌کند و از این حیث حفظ ثبات در سوریه برای جمهوری اسلامی ایران نیز یک دستاورد محسوب می‌شود.» علی‌رغم تمام چالش‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درنتیجه محاسبات پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی با آن مواجه بوده، ایران تلاش کرده این عمق دوطرفه و دستاوردهای آن را در سال‌های اخیر حفظ کند. در جنگ سوریه، ایران در حفاظت از سوریه دربرابر نقشه نابودی و تقسیم آن درکنار نظام سوریه ایستاد. این عمق مشارکت حزب‌الله، حشدالشعبی، انصارالله و زینبیون را در صورت نبرد علیه ایران تضمین می‌کند؛ نبردی که با صدها هزار موشک به سمت رژیم صهیونیستی همراه است. این بزرگ‌ترین نگرانی آمریکا و متحدانش است.

درعین حال، ایران فاصله خود را با بقیه کشورهای محور حفظ می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از روند ایجاد عمق منطقه‌ای همزمان با داشتن انعطاف‌پذیری لازم حمایت می‌کند. این برای همه نقاط قوت و جایی برای فعالیت‌های دیپلماتیک و نظامی فراهم می‌کند، اما اجازه نمی‌دهد هیچ دشمنی یکی از اعضا را جدا و منفرد کند. این امر عملا در مفهوم «وحدت میدان‌ها» منعکس می‌شود که نمونه آن در جنگ غزه متبلور شد. در این جنگ سردار قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه در نامه‌ای به محمد ضیف، فرمانده کل گردان‌های قسام در جنبش حماس نوشت: «برادران شما در محور قدس و مقاومت درکنار تمامی شرافتمندان امت و آزادگان جهان، هرگز غزه و مردم قهرمان آن را دربرابر این دشمن وحشی و درنده‌خوی و حامیانش تنها نخواهند گذاشت.... بر عهد و میثاق و التزام ایمانی و برادرانه که ما را کنار هم جمع می‌کند، تاکید می‌کنیم.»

در طوفان الاقصی، عمق راهبردی و در هم تنیدگی آن بین میدان‌های مختلف باعث درگیری رژیم صهیونیستی شد و به‌دلیل ضرورت آمادگی برای درگیری در جبهه‌های دیگر، بار جبهه علیه غزه کاهش یافت. عمق راهبردی همچنین توانایی تضعیف قدرت بازدارندگی آمریکا و کاهش تنش برای جلوگیری از یک جنگ گسترده را فراهم و واشنگتن را وادار کرد پاسخ‌های پایین‌تر از حد استاندارد برای بازدارندگی موفق نشان دهد.

پشتیبانی بدون واهمه

ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی شعار حمایت از مظلوم و مبارزه با استکبار را سر داده و درطول چهار دهه توسعه خود از توسعه قدرت خارجی همراستا با قدرت داخلی در راستای اجرای این شعار دریغ نکرده است. نیروی قدس سپاه در انتقال تجربه آموزش و تدارک دیدن و تامین مالی و انواع مختلف حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان، عراق، سوریه و یمن غافل نشده است. مراکز آموزشی معروف «جنتا» در بقاع نشانه‌ای از نقش سپاه پاسداران در آموزش حزب‌الله از زمان تاسیس آن در سال ۱۹۸۲ است. نقشی که با گذشت زمان، به‌ویژه موقعی که حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه بود، رشد و توسعه یافته است. زرادخانه تسلیحاتی حزب‌الله، تهدیدی واقعی در جبهه شمالی رژیم است. پشتیبانی جنبش‌های مقاومت توسط ایران موضوع مورد بحث و اختلاف نظر آمریکا در مورد لغو تحریم‌ها و آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران بوده است، زیرا نگرانی همیشگی غرب، بهبود توانمندی‌های محور و درنتیجه افزایش تهدید برای تل‌آویو و نفوذ آمریکا در منطقه منعکس است.

درحالی‌که ایران صراحتا اعلام کرده به جنبش انصارالله تسلیحاتی نداده اما مقامات آمریکایی و غربی ایران را به تسلیح و آموزش این جنبش هنگام تجاوز به یمن متهم می‌کنند. هر از چندگاهی، وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون اطلاعاتی در مورد توقیف کشتی‌های قاچاق اسلحه ایرانی به یمن منتشر می‌کنند. نمونه آن خبری است که در ژانویه ۲۰۲۴ منتشر و در آن ادعا شد ارتش آمریکا محموله تسلیحاتی ارسال‌شده به یمن را توقیف کرده که حاوی قطعات موشک‌های بالستیک میانبرد، بمب‌ها، پهپادها، تجهیزات ارتباطی، تاسیسات پرتاب موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک و سایر قطعات نظامی است. هنگام محاصره دریایی تحمیل‌شده توسط یمن به رژیم صهیونیستی، منابع نظامی آمریکایی از نقش کشتی ایرانی «ساویز» در شمال تنگه باب‌المندب صحبت کردند که استفاده از اطلاعات استخباراتی قبلی در مورد اهداف موردنیاز موشک‌های بالستیک ضدکشتی یمنی را در حملات تضمین می‌کند. آدرین واتسون، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان در ۲۳ دسامبر تصریح کرد اطلاعات ایران به حوثی‌ها کمک می‌کند به کشتی‌ها در دریای سرخ حمله کنند. او تاکید کرد که «بدون حمایت تهران، حوثی‌ها [انصارالله] در ردیابی کشتی‌ها در دریای سرخ و دریای عمان با مشکل مواجه خواهند شد... حمایت ایران هنگام بحران غزه، به حوثی‌ها توانایی انجام حملات علیه اسرائیل و اهداف دریایی را داد... پهپادها و موشک‌هایی که حوثی‌ها در این حملات استفاده کرده‌اند نیز توسط ایران به‌عنوان بخشی از مسلح کردن این گروه از سال ۲۰۱۵ ارسال شده است.» ایران البته هرگونه دخالت در تصمیم‌گیری یمن به‌ویژه هنگام جنگ غزه را رد کرده است.

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در مورد نقش ایران در توانمندی‌های روزافزون جنبش‌های مقاومت و میزان آمادگی آنها، در رابطه با روابط ایران و حماس گفت: «روابط ایران و حماس طولانی مدت است. حماس بدون حمایت طولانی مدت ایران، این‌گونه نخواهد بود.» موسی ابومرزوق، یکی از مقامات ارشد حماس فاش می‌کند که ایران «کشوری است که از حماس در همه جنبه‌ها حمایت کرده است.» ابومرزوق همچنین اشاره می‌کند موضع جنبش حماس بر روابط و حمایت تاثیر گذاشته، اما نه در حد توقف پشتیبانی و می‌گوید: «حمایت ایران از ما هرگز متوقف نشده است.» قبل از جنگ با سوریه، ایران عمق استراتژیک جنبش حماس بود. در سال ۲۰۱۲، هم قطر و هم ترکیه از حماس حمایت کردند، اما این حمایت به جنبه‌های سیاسی و مالی محدود شد، نه جنبه نظامی. با احیای رابطه با ایران پس از سال ۲۰۱۴ و با محاصره غزه، ایران دوباره از حماس حمایت کرد. یکی از اعضای دفتر سیاسی حماس و نماینده آن در لبنان، اسامه حمدان، این حمایت را تایید می‌کند و می‌گوید: «بله، ایران از ما حمایت می‌کند و اشتباه این است که دیگران از ما حمایت نمی‌کنند.» این نگاه صریح نشانه‌ای از اهمیت نقش حمایت ایران در توسعه مسیر گروه‌های مقاومت و مقاومت تا رسیدن به مرحله مقابله و مبارزه و ممانعت از اهداف پروژه‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه است. اهمیت این نقش در توانایی کل محور در فرسایش قدرت رژیم صهیونیستی پس از نزدیک به هشت ماه جنگ در غزه و بدون دستیابی به اهداف اساسی عملیات نظامی با پشتیبانی آشکار و بی‌سابقه از آن نمایان می‌شود.

هماهنگی و درهم‌تنیدگی

مفاهیم «محور» و «وحدت میدان‌ها» در چهارچوب رویارویی ایران و ایالات متحده آمریکا در خصوص پرونده هسته‌ای و گسترش آن در منطقه و در چهارچوب تهدیدات مکرر رژیم صهیونیستی مبنی بر هدف قرار دادن حزب‌الله در لبنان یا هدف قرار دادن خود پروژه هسته‌ای ایران به‌وجود آمد. البته اضلاع این محور در انتخاب ماهیت عملکرد، نوع اقدامات مشترک با توجه به مجموعه عوامل تعیین‌کننده، استانداردهای کاربردی، نیازها و اهداف موردنظر و توانایی یا تمایل برای به‌دست گرفتن ابتکار عمل اختیار دارند. این محور براساس احترام به تصمیمات جنبش‌های دیگر و درک شرایط هرطرف و چالش‌های پیش روی آن (در سطوح مردمی، سیاسی و راهبردی) تنظیم شده است.

دستاورد ایران در برقراری مفهوم «وحدت میدان‌ها» و «محور» به منظم شدن حرکت گروه‌های مقاومت در کشورهای مختلف محور و تشکیل خط دفاعی که اهمیت آن پس از ورود قدرت‌های غربی به منطقه پس از طوفان الاقصی و اجازه دادن به رژیم صهیونیستی برای ارتکاب نسل‌کشی در غزه آشکار شد، کمک کرد. تمام قدرت‌های محور، هرکدام مطابق با توانایی‌های خود، در درگیر کردن رژیم و متحدانش در منطقه نقش داشتند؛ حملات موشکی و پهپادی یمن یا عراق علیه رژیم و هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی در داخل عراق و سوریه توسط این دو کشور نمونه‌هایی از این پشتیبانی هستند.

هماهنگی و در هم تنیدگی با حمایت و پشتیبانی از دیگر جنبش‌های مقاومت- اگر یکی از آنها تصمیمی منحصربه‌فرد اتخاذ کند- منافاتی ندارد. همان اتفاقی که در طوفان الاقصی افتاد. رهبر انقلاب درحالی‌که دست داشتن ایران در عملیات را رد کرد، از آن حمایت کرد و گفت: «ما پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند و جوانان فلسطینی را می‌بوسیم.» این انکار توسط مقامات مختلف رسمی پیگیر این پرونده تکرار شد. هماهنگی و در هم تنیدگی با حفظ استقلال تصمیم‌گیری و روابط سیاسی گروه‌ها به نحوی که با آرمان‌ها یا توانایی‌های هر جنبش یا حزب منطبق باشد، منافاتی ندارد. هماهنگی و درهم تنیدگی در سطوح، ازجمله وحدت دشمن، ائتلاف راهبردی با حماس علیه رژیم صهیونیستی است، اما ممکن است این ائتلاف به معنای مداخله حماس در نبرد گسترده منطقه‌ای نباشد.

هماهنگی و در هم تنیدگی در این محور، انسجام بین هسته (ایران) و گروه‌های دیگر و بین خود گروه‌ها را تقویت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از حماس براساس یک هدف روشن و صریح که «جلوگیری از نابودی حماس و آرمان فلسطین همراستا با جلوگیری از پیروزی رژیم و جانشین آن آمریکا در این نبرد» است، محافظت می‌کند. این نقش با کنترل کردن ترسیم معادلات درگیری از بیرون و تشدید تعامل میدانی در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه عراق و یمن، به شکل‌گیری مولفه‌های قدرت و استواری کمک می‌کند.

بازدارندگی راهبردی برای جلوگیری از جنگ همه‌جانبه

درگیری رژیم صهیونیستی با حزب‌الله از طریق رویارویی در جبهه شمالی باعث شد معادل یک سوم ارتش، یک سوم نیروهای لجستیکی، نیمی از نیروهای دریایی و دفاع موشکی و یک چهارم نیروی هوایی رژیم صهیونیستی از سر ناچاری در مرزهای شمالی مستقر شوند. اما هدف این اقدام تنها حمایت از جبهه غزه نبود؛ حزب‌الله دست به یک عملیات پیشگیرانه با هدف انتقال پیام آمادگی برای مقابله با هر شرایط جدید نظامی یا سیاسی جدید و توانایی به‌دست گرفتن ابتکار عمل بدون تردید و نشان دادن آمادگی برای «جنگ بزرگ» و درنهایت نمایش توان بازدارندگی به آمریکایی‌ها قبل از اسرائیلی‌ها بود. عمق راهبردی که ایران برای ساخت آن تلاش کرد، در بازدارندگی استراتژیک نمایان شد. توانایی محور مقاومت و گروه‌های مقاومت، انصارالله و نیروهای متحد ایران در سوریه و حزب‌الله در گشودن جبهه‌های جدید و افزایش هزینه برای رژیم، نمونه کوچک از جنگ همه‌جانبه منطقه‌ای و هزینه بالای آن است. عمق استراتژیک به شکست بازدارندگی آمریکا کمک کرد و باعث شد هشدارها یا حملات آمریکا نتواند محور را مجبور به توقف درگیری در جبهه‌های خود کند و درنتیجه مانع خروج آمریکا از مارپیچ تشدید تنش شد. پرهیز واشنگتن از متهم کردن مستقیم تهران به مسئولیت حملات اخیر به پایگاه‌ها و کشتی‌های آمریکا در منطقه، نشان می‌دهد ایران، آمریکا را از ورود به یک جنگ همه‌جانبه باز داشته است. آمریکا از متهم کردن ایران پرهیز می‌کند، ایران را تبرئه می‌کند و بر بحث در اتاق‌های تصمیم‌گیری درباره استقلال جنبش‌هایِ محور در حمله به پایگاه‌های آمریکایی سرپوش می‌گذارد. واشنگتن از تشدید تنش تا حدی که می‌تواند منجر به جنگ گسترده منطقه‌ای شود، خودداری می‌کند تا از خطرات و هزینه‌های بالا رویارویی مستقیم جلوگیری کند.

نیروهای آمریکایی به عملیات مقاومت علیه پایگاه‌های خود در سوریه و عراق در حمایت از غزه پاسخ‌های پایین‌تر از حد استاندارد داشتند و دولت بایدن توسط نهادهای مختلف آمریکایی و اسرائیلی به‌دلیل عدم پاسخگویی به عملیات هدف‌گیری با حملات بازدارنده به «تردید» و «بزدلی» متهم شد. آنها خواستار پاسخ‌هایی بودند که متناسب با حفظ حیثیت ایالات متحده باشد. اما واشنگتن «خویشتنداری» را حفظ کرد و به ارسال پیام‌هایی مبنی بر لزوم پرهیز از تشدید تنش و بر اینکه هیچ منفعتی از جنگ همه‌جانبه برای هر دوطرف وجود ندارد، ادامه داد تا اینکه مقاومت عراق برج ۲۲ را در داخل خاک اردن هدف قرار داد که منجر به کشته شدن سه سرباز آمریکایی و زخمی شدن بیش از ۴۰ تن از آنها شد و علی‌رغم فشار روزافزون برای ضرورت پاسخ قاطع، نیروهای آمریکایی با موجی از حملات که از قبل اعلام کرده بودند، مسئولان حملات را در سوریه و عراق- نه در ایران- هدف قرار دادند، زیرا آمریکا تا آن لحظه حساس نسبت به تشدید تنش که ممکن است منجر به جنگ همه‌جانبه پرهزینه و پرخطر شود، محتاط بود.

منازعه در منطقه خاکستری

تهران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در منطقه خاکستری بین جنگ و صلح با استفاده از ابزارهای غیرنظامی و نظامی دور از جنگ مستقیم، با واشنگتن درحال مبارزه است تا خطرات مهار آمریکا را دور بزند. «منطقه خاکستری» فضای بین صلح و جنگ را توصیف می‌کند که در آن بازیگران دولتی و غیردولتی درگیر رقابت می‌شوند. یکی از عناصر کلیدی عملیات در منطقه خاکستری این است که آن عملیات زیر آستانه یک حمله باقی می‌ماند که می‌تواند یک پاسخ نظامی متعارف مشروع را در خود داشته باشد. پهپادهایی که حمله کردند ایرانی بودند، اما آیا ایران آنها را فرستاد و آیا این تصمیم ایران بود یا گروه‌هایی که پهپاد را پرتاب کردند؟ این امر هنگام بررسی گزینه‌های پاسخ، در راهروهای تصمیم‌گیری آمریکا جنجال ایجاد کرد. ایران برای اخلال در حرکت آمریکا که هدف آن مهار منابع تهدید یا خطر برای رژیم، به دور زدن روش فشار نرم متکی است. همچنین از بی‌ثباتی کل محور و از شکسته شدن هریک از دولت‌ها و نیروها یا فروپاشی آنها جلوگیری می‌کند. ایران با ماندن در منطقه خاکستری جایگاه خود را در رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت می‌کند که مهار قبل درگیری را تضمین می‌کند و شرایط را برای دستیابی به اهداف و منافع بهبود می‌بخشد. سیاست‌های رقابتی در سطح روابط و حضور در برخی کشورهای مختلف منطقه‌ای (عراق، یمن، امارات، سوریه) و بین‌المللی در شرق آسیا و همچنین در سطح حرکت براساس موازنه منافع و بازدارندگی، کارت‌های قدرت که تعادل دقیق بازدارندگی را تحمیل می‌کند، فراهم می‌کند. هر دوطرف از شکست آن اجتناب می‌کنند تا از درگیری مستقیم نظامی که هر دو هیچ منفعتی در آن ندارند، جلوگیری کنند. این سیاست همان است که مسیر سیاسی و نظامی در پاسخ به هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی تابع آن بود.

پاسخ ایران چند روز پس از ترور سردار حاج قاسم سلیمانی در ۸ ژانویه با هدف قرار دادن پایگاه نیروهای آمریکایی در عراق، دقیق و هماهنگ بود تا از هرگونه خسارت اغراق‌آمیز جلوگیری شود، به‌گونه‌ای که تاثیر منفی در دستاوردهای حاج قاسم در ساختن محور نگذارد. بنابراین پاسخ پیامی بود مبنی بر اینکه بهای ترور که آمریکا خواهد پرداخت، حذف حضور آمریکا در منطقه است، اما با اتخاذ یک تاکتیک استراتژیک که عناصر ابتکار، غافلگیری، کنترل و انتخاب زمان و مکان مناسب را حفظ کند.

جنگ‌های سایه و منازعه در منطقه خاکستری با انعطاف‌پذیری خود، مدیریت ریسک، کاهش تنش احتمالی و جلوگیری از جنگ، امکان درگیری با ابزار نظامی و

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

غیرنظامی دور از جنگ مستقیم و امکان انجام عملیات پنهانی با کم‌هزینه را فراهم می‌آورد. راهبرد ایران در رهبری محور مبتنی بر نوعی «ابهام» و محرمیت در ماهیت رابطه با بقیه کشورهای محور است. سازمان‌های امنیت ملی درباره نقش گروه‌های محور مقاومت و روابط آنها با ایران همواره بحث می‌کنند. ایران حاشیه آزادی را برای هر یک از نیروهای مقاومت در مدیریت حرکت خود یا حداقل جزئیات آن حفظ کرده است؛ این توانایی مسئول دانستن ایران را برای هر تهدیدی که واشنگتن در منطقه می‌بینند، نفی می‌کند. در عین حال، اقدامات دیگر کشورهای محور، با خودداری از مسئول دانستن ایران، توانایی ایران را برای منازعه در منطقه خاکستری دور از جنگ تضمین می‌کند.

قابلیت‌های سایبری گسترده‌ترین دامنه عملیات هدف‌گیری پنهان را تشکیل می‌دهند. توسعه سایبری به ایران امکان داده است تا با تهدیدهای جدید مقابله کند و از فرصت‌ها استفاده کند. به‌عنوان مثال، ایران به حمله «دیجی‌نوتار» در سال ۲۰۱۱، حمله ۲۰۱۳ به نیروی دریایی ایالات متحده، حمله ۲۰۱۴ به شرکت «لاس‌وگاس سندز»، حملات ۱۷۶ روزه DDoS علیه بانک‌های ایالات متحده پس از تشدید تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و حملات به پارلمان کانادا و انگلیس متهم شد. این ادعاها اگر درست باشد، نشان‌دهنده وسعت حملات سایبری ایران در جنگ خاکستری و بهره‌مندی از توسعه فناوری و زمینه‌های استفاده از آن در درگیرکردن حریف است.

اینگونه اتهامات به حملات هنگام جنگ غزه متوقف نشد. به‌عنوان مثال، در ۱۱ دسامبر ۲۰۲۳، رسانه‌های اسرائیلی از حملات سایبری ایران گزارش کردند که بسیاری از موسسات را مختل کرد. رژیم صهیونیستی ایران را به حمله سایبری به مرکز پزشکی زیو در صفد شمال فلسطین و به سرقت «اطلاعات حساس» متهم کرد. سامانه سوخت ایران نیز مورد حمله متقابل قرار گرفت که تقریبا ۷۰ درصد پمپ‌های بنزین را از کار انداخت.

این نوع منازعه به پهپادهای ایرانی اجازه می‌دهد تا وقتی اراده کنند، بدون شناختن هویت افرادی که مسئول پرتاب هستند، حمله کنند؛ همان‌طور که در دریای سرخ، اقیانوس هند و پایگاه‌های آمریکایی اتفاق می‌افتد.

توسعه در تجربه، طرح‌ها و فناوری

در طول سال‌های تحریم‌های سازمان ملل و ایالات متحده، ایران به دنبال تسلط بر نحوه مقابله با پیامدهای تحریم‌ها، چه از طریق ائتلاف دریایی با برخی از کشورهای آمریکای جنوبی و مشارکت راهبردی با چین و روسیه، و چه از طریق مشارکت‌ها با برخی از کشورهای منطقه بوده است. سیاست ایران در برنامه‌ریزی نظامی برای پاسخ به حرکت آمریکا در منطقه توسعه یافته است. تهران برای تقویت اتحاد محور مقاومت در میدان نبرد منطقه‌ای، صبورانه و روشمند تلاش کرد تا اینکه این محور موفق به چالش مستقیم برای نظم منطقه‌ای که غرب برای دهه‌ها در غرب آسیا ایجاد و از آن دفاع می‌کرد، شد. ایران همراستا با ساخت توانمندی نظامی اعم از تسلیحات و بازیگران، برای ایجاد توانمندی فناوری تلاش کرد و به برتری علمی در زمینه‌ها و تخصص‌های مختلف توجه زیادی داشته است. پیشرفت علمی، توسعه سلاح‌ها و سیستم‌ها را تضمین کرده است. ایران همچنین تقویت قابلیت‌های هسته‌ای و سایبری را در اولویت قرار داد.

قابلیت‌های هسته‌ای ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی را از انجام هرگونه اقدام تشدیدکننده‌ای که از خط قرمز ایران عبور کند، باز می‌دارد. هر بار که تهدیدات آمریکا علیه ایران افزایش می‌یابد، ایران سطح غنی‌سازی‌اش را افزایش یا برنامه هسته‌ای خود را توسعه می‌دهد. تهران، از این طریق آمریکا را مجبور می‌کند قبل از حمله مستقیم علیه ایران یا اجازه دادن به رژیم برای حمله کور، در محاسبات خود تجدید نظر کند. نیاز ایران به حفاظت از برنامه هسته‌ای و کشور خود در برابر هک خارجی، این کشور را به تقویت قابلیت‌های علمی جوانان و متخصصان رایانه‌ای سوق داد و آن را به عرصه سایبری هدایت کرد به‌گونه‌ای که فعالیت فرماندهی امنیت سایبری سپاه پاسداران از سال ۲۰۰۹ افزایش یافته و ستاد فرماندهی سایبری تاسیس شده است. گزارش منتشرشده توسط شرکت فناوری بریتانیایی SmallMedia نشان می‌دهد که «در سال ۲۰۱۵، تهران هزینه امنیت سایبری را طی دو سال ۱۲ برابر کرده است.» طبق گزارش‌ها ایران فناوری سایبری را به کشورهای محور [مقاومت]، به‌ویژه حزب‌الله، آموزش و ارائه کرده است. گزارش‌های شرکت‌های امنیت سایبری مانند گزارش ۲۰۱۸ Cloudstrike نشان می‌دهد که عملیات سایبری ایران علیه منافع غرب و آمریکا ادامه دارد. از این رو، در راستای هماهنگی، درهم‌تنیدگی و عملی کردن دیدگاه‌ها و اهداف مشترک، ایران توسعه فناوری، برنامه‌ریزی و تجربه و تخصص را پیش می‌برد و آن را به سمت کشورهای محور سوق می‌دهد.

علی‌رغم تحریم‌های شدیدی که از دهه ۱۹۹۰ بر ایران تحمیل شده است، فرآیندهای توسعه در ایران به این کشور اجازه داده است به خودکفایی، تکیه بر انرژی‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های موجود، تبدیل چالش‌ها به فرصت، توسعه صنایع جایگزین و عدم وابستگی به اقتصاد نفتی دست یابد. ایران امروز در زمینه‌های مختلف علمی، پزشکی و صنعتی جایگاه پیشرو را به خود اختصاص داده است. تحریم‌ها مانع از ادامه برنامه هسته‌ای ایران و توسعه حوزه‌های استفاده از فناوری نانو، نرم‌افزارهای الکترونیکی و... نشده است. هنگام محاصره سوریه و لبنان، به دور از زمینه استفاده از فناوری در ساخت یا توسعه سلاح، و خارج از حوزه نفت و برق و پشتیبانی ایران از آنها، داروها و مواد غذایی ایرانی به رفع یک نیاز اساسی که برای پیوستگی مقاومت و محیط حمایتی ضروری است کمک کردند.

در جنگ غزه، پس از آوردن ناوهای هواپیمابر آمریکا به منطقه، ایران حرکت آمریکا را دور زد. گروه‌های محور مقاومت براساس قوانین مبارزه محدود و دور از تشدید کور حرکت کردند. آنها با پیامی روشن در مورد «وحدت میدان‌ها» و تعامل و هماهنگ، کارت‌های قدرتی را که ممکن است بعدا محور به‌ویژه در صحنه فلسطین به آن نیاز داشته باشد را ارائه کردند. قدرت نظامی گروه‌های مقاومت هنگام جنگ غزه، حوزه‌ها و عرصه‌هایی را که این نیروهای علمی، فنی و فناوری در آن سرمایه‌گذاری کردند، آشکار کرد.

عرصه امن قادر به پشتیبانی

سیاست خارجی ایران بر توسعه دکترین «دفاع پیشرو»، جنگیدن در خارج از مرزها، متمرکز است. تهران اجازه می‌دهد داخل کشور به‌عنوان فضای امن حفظ شود تا از بقیه عرصه‌ها حمایت کند. برای ایجاد محوری که مخالف هژمونی آمریکا و اسرائیل در منطقه است، ایران عملیات خارجی را ترتیب داد. این پرونده با نام فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران حاج قاسم سلیمانی مرتبط است. ایران به اندازه پرهیز از امواج خرابکاری داخلی، برخورد خارجی و تهور، تلاش می‌کند برای محور و میدان‌ها عناصر تداوم، پشتیبانی و رشد فراهم سازد و نفوذ سیاسی، بین‌المللی و منطقه‌ای خود را تضمین کند. در عین حال، ایران به دنبال حفظ گسترش عمق استراتژیک است. بنابراین، ایران با توسعه قدرت و جلوگیری از جنگ‌های مستقیم که نتیجه آن ممکن است «بازی با مجموع صفر» باشد، تلاش کرد تا شکاف در توانایی‌های نظامی را در دهه‌های اول پس از جنگ تحمیلی عراق (۱۹۸۹-۱۹۹۱) کاهش دهد.

ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از این اهمیت و پیامدهای ثمربخش آن برای کشورهای محور مقاومت آگاه هستند. از این رو، ایران «سر» محور است (آمریکا و اسرائیل در ادبیات خود از این واژه استفاده می‌کنند). نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی در ژوئیه ۲۰۲۲ در مصاحبه با مجله «اکونومیست»، «دکترین اختاپوس» را مطرح کرد که مبتنی بر اعمال «هدف قرار دادن سر اختاپوس به جای بازوها» بود. او خواهان هدف قرار دادن ایران به جای دیگر گروه‌های مقاومت بود. دکترین جدید مبتنی بر «هدف قرار دادن منبع» است. این تهدیدها از طریق حملات اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران، ترور برخی از دانشمندان و بمباران کارخانه تولید پهپادهای پنهان‌کار، به‌طور نسبی در منطقه خاکستری عملی شدند. آمریکا و کشورهای غربی نیز هر از چندگاهی تلاش می‌کنند تا در داخل ایران خرابکاری کنند؛ ایران را بی‌ثبات کنند و آن را در داخل درگیر کنند. اغتشاشات سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)، سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۶) و اخیرا ناآرامی‌های سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) که گروهی از سازمان‌های اطلاعاتی بین‌المللی و گروه‌های تروریستی در آن شرکت داشتند، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند.

در عملیات طوفان الاقصی، ایران به هماهنگی و درهم تنیدگی با گروه‌های مختلف، برای کمک، پشتیبانی و حتی آمادگی برای مداخله در صورت نیاز و ضرورت اهمیت داد. آمریکا و رژیم صهیونیستی هنگام طوفان الاقصی با تحریک کردن هسته‌های تروریستی مانند بمبگذاری کرمان یا هدف قرار دادن دو خط لوله اصلی گاز ایران در چهارچوب نبرد در منطقه خاکستری، به دنبال بی‌ثبات کردن داخل ایران بودند. زمانی که واشنگتن سطح تهدید را پس از هدف قرار دادن پایگاه آمریکایی در اردن افزایش داد، تهران نیز آمادگی خود و سامانه‌ها را برای مبارزه و دفاع در صورت حمله به ایران اعلام کرد.

فعالیت دیپلماتیک (اسلامی، منطقه‌ای، بین‌المللی)

فعالیت دیپلماتیک اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی به در اختیار داشتن قدرت در عناصر مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی، فنی و نظامی مرتبط است. ایران به این جنبه توجه بسیاری داشته است. سیاست خارجی ایران به تسلط بر هنر مانور و حرکت در حاشیه اشاره دارد که به ایران اجازه می‌دهد در مذاکرات، چه در مورد برنامه هسته‌ای خود و چه در مورد برخی پرونده‌های منطقه‌ای، کارت‌های قدرت داشته باشد. سیاست خارجی ایران بر جنبه عقلانی و ارزشی متمرکز بوده است.

از سال ۲۰۱۳، دیپلماسی هسته‌ای باعث درگیری حکومت‌های آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای شد و به تقویت موقعیت ایران در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و پیروزی مواضع آن در مذاکرات هسته‌ای کمک کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که دیپلماسی رویکردی است که منجر به رفع موانعی می‌شود که مانع رسیدن به اهداف عالی می‌شود، اما به شرط عدم عدول از اصول و مصالح ملی (سخنرانی سال ۲۰۱۳). از این رو، دیپلماسی ایران بخش مهمی از سیاست خارجی ایران در امور بین‌الملل را برای دستیابی به حداکثر منافع ملی در احیای حقوق ملت ایران که مهم‌ترین آن رفع تحریم‌ها و برخورداری از توان هسته‌ای است، تشکیل داده است. این قدرت دیپلماتیک در رسیدگی به پرونده‌های کشورهای اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی منعکس شد؛ مانند رویارویی سیاسی در سوریه برای محافظت از آن در مذاکرات آستانه، علاوه بر استفاده از قدرت دیپلماتیک برای تلاش برای حل و فصل یا متوقف کردن بحران‌های کشورهای محور مقاومت که ناشی از دکترین آمریکایی «شوک» و استراتژی «آشوب خلاق» هستند.

در دوران جنگ غزه، شاهد دیپلماسی فعال ایران در شورای امنیت سازمان ملل و سازمان ملل متحد از طریق نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد، امیرسعید ایروانی بودیم. حسین امیرعبداللهیان، وزیر فقید امور خارجه ایران، دیدارهایی با مقامات بسیاری از کشورهای منطقه از جمله قطر، ترکیه، مصر و عربستان سعودی داشت. او کمک کرد تا روسیه و چین از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده کنند و قطعنامه آمریکا را که خواستار آتش‌بس نبود، خنثی کنند و قطعنامه آتش‌بس و ورود کمک‌ها به غزه را در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۳ تصویب کنند. ایران همچنین به موضوع رایزنی با گروه‌های مختلف فلسطینی اهمیت داد و شهید امیرعبداللهیان با سران گروه‌های فلسطینی و دبیرکل حزب‌الله سید نصرالله دیدار و گفت‌وگو کرد. نقش دیپلماتیک ایران نیز در حمایت از موضع یمن و تشویق و حمایت از آفریقای جنوبی در روند رسیدگی به شکایت در دادگاه بین‌المللی لاهه نمایان شد. تهران همچنین کشورها را تشویق کرد تا به آن بپیوندند و تصمیمات دادگاه را اجرا کنند.

جمع‌بندی

ایران در طول زمان توانست نقش‌های معناداری در منطقه بسازد؛ نقش‌هایی که مکمل یکدیگر در ساختن محوری هستند که ویژگی آن نفی وابستگی و احترام به حریم خصوصی تمامی گروه‌های وابسته به آن است.

اول؛ ایران عمق راهبردی را فراهم می‌کند و در تلاش است تا آن را برای همه گروه‌های محور تقویت کند به‌گونه‌ای که برای همه درجه‌ای از برتری را فراهم سازد و از تجزیه محور در مواجهه با هرگونه رویارویی جلوگیری کند. این عمق در عملکرد محور مقاومت و پیشرفت میدانی مفهوم «وحدت میدان‌ها» تجسم یافت.

دوم؛ ایران نقش حمایتی و پشتیبانی را براساس یک سیاست حساب‌شده و با استانداردهای متعادل و عناصر خاص که عرصه‌ها، توانمندی‌ها، نیازها و اهداف را در نظر می‌گیرد برعهده دارد. حمایت ایران از غزه با انواع موشک و مهمات در جبهه‌های مختلف جنگ نمایان شد.

سوم؛ ایران با همه گروه‌ها و اعضا در چهارچوب حفظ حق حاکمیت و تصمیم‌گیری هماهنگ می‌کند که براساس شرایط خاص هر یک از گروه‌ها، شرایط پیرامونی و عوامل تعیین‌کننده، برای همه حاشیه‌ای برای اقدام و تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. این ویژگی به شکل‌گیری محور و به افزایش قدرت آن کمک کرد. این هماهنگی در آمادگی پشتیبانی ایران و سایر گروه‌های مقاومت نمایان شد، اگر چه نبرد طوفان الاقصی به صورت کاملا مخفیانه و بدون اطلاع محور انجام شد.

چهارم؛ سرمایه‌گذاری ایران در حوزه انرژی، توانایی‌ها و منابع مختلف انسانی، جغرافیایی و نفتی که در اختیار دارد، قدرت داخلی را در پایداری نظام، دولت و مردم در برابر همه چالش‌ها و در عرصه‌های مختلف فراهم می‌کند؛ همان‌طور که قدرت خارجی لازم را در سطوح سیاسی، دیپلماتیک و نظامی برای آن فراهم می‌کند. کارت‌های قدرت راهبردی ایران، به‌ویژه در پرونده هسته‌ای و قابلیت‌های نظامی، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را از آغاز جنگی همه‌جانبه در منطقه باز می‌دارد. در ماه‌های جنگ غزه، ایران آمریکا را از تشدید اقدامات کور برحذر داشت؛ حرکت آمریکا را در تلاش برای پاسخگویی و بازگرداندن بازدارندگی سردرگم کرد و آن را به گزینه جلوگیری از جنگ مستقیم مجبور ساخت.

پنجم؛ ایران با استفاده از ابزارهای غیرنظامی و نظامی در منطقه خاکستری بین جنگ و صلح در حال مبارزه است. با این کار، تهران، طرف مقابل را سردرگم می‌کند. موقعیت رقابتی آن در قدرت و حضور، مکانیسم‌ها و ابزارهایی را برای مبارزه در منطقه خاکستری با عملیات کم‌هزینه برای بهبود شرایط و دستیابی به اهداف و منافع فراهم می‌کند. هنگام جنگ غزه، ایران و رژیم موقت حملات سایبری علیه یکدیگر انجام دادند و دشمن صهیونیستی درمورد سرقت اطلاعات حساس بیمارستان «زیو» اسرائیل توسط گروه‌های سایبری صحبت کرد.

ششم؛ برتری فناوری و تجربه ایران در دهه‌های گذشته باعث شد که ایران بتواند ایالات متحده و رژیم را درگیر حملات سایبری سازد و آنها را نگران سلاح هسته‌ای کند. گروه‌های مختلف محور از این قابلیت‌ها در ساخت تسلیحات یا تامین برخی تراشه‌های ضروری و موارد دیگر بهره می‌برند. در طوفان الاقصی، رویارویی‌ها چه علیه رژیم و چه در پاسخ به نیروهای آمریکایی، استفاده از فناوری را در موشک‌های هدایت‌شونده پیشرفته، پهپادها و دستگاه‌های ارتباطی نشان داد.

هفتم؛ ثبات مرکز بر بقیه اعضا و گروه‌ها تاثیر می‌گذارد. عواقب هر شکافی برای مرکز، بیش از دیگر گروه‌ها خطرناک است. در عین حال، امنیت مرکز، توانایی برطرف کردن کاستی و بازگرداندن تعادل را به طرفی که هدف قرار گرفته است می‌دهد. بنابراین، ایران تاوان حمایت از گروه‌های مقاومت را که منجر به بی‌ثباتی امنیت و ثبات داخلی خود است، می‌پردازد. ایران آماده پرداخت آن است؛ زیرا حمایت از گروه‌های مقاومت را به‌عنوان یکی از اصول انقلاب و نظام خود می‌داند. ایران سعی می‌کند بحران عمدی را مهار ساخته و تعادل بین چالش‌های داخلی و خارجی ایجاد کند. ایران از امنیت داخلی خود به‌عنوان عرصه‌ای برای تامین و حمایت از بقیه نیروها و گروه‌های مقاومت شروع می‌کند.

هشتم؛ ایران پس از انقلاب اسلامی ثابت کرده است که بازیگر قدرتمندی در منطقه است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. تهران در مسیر طولانی صبر و استقامت و همگامی در سیاست خارجی قدرت پیدا کرد. در مسیر دیپلماتیک، چه در مذاکرات هسته‌ای و چه در مهار درگیری‌های خارجی، کارآمدی خود را نشان داده است و دیپلماسی آن هنگام طوفان الاقصی در تقویت موقعیت جنبش حماس، دفاع از مردم مظلوم فلسطین و برای توقف نسل‌کشی فعال بود.

«جمع‌بودگی» معنای مردم و رهاوردهایش

دو وجه تقلیل‌گرایی در فهم معنای مردم

احمد اولیایی
عضو هیات‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

«مردم» در ایران امروز چگونه فهم می‌شود؟ این پرسشی است بنیادین در فلسفه سیاسی و البته علوم اجتماعی. دغدغه‌مندان عرصه سیاست و حکمرانی از آن جهت که به نقش مردم واقفند باید معنای مردم را به درستی فهم کنند. از طرف دیگر ارائه هرگونه تحلیل جامعه‌شناختانه از جامعه نیز مبتنی بر فهم معنای مردم است، لذا پرسش، یک پرسش اساسی است. احساس نیاز به طرح این پرسش اولین قدم است؛ به این معنا که اولا باید اهمیت فهم معنای اصلی و واقعی مردم روشن شود و ثانیا جایگاه مردم برای پرسش‌کننده روشن باشد تا پرسش فوق در ذهنش نقش ببندد. اگر یک اندیشمند یا دولتمرد یا حکمران، برای مردم نقش مهمی قائل نباشد، یا احساس کند که معنای مردم را به خوبی می‌داند؛ اساسا طرح این پرسش برای وی ضروری جلوه نمی‌کند. پس چرایی طرح این پرسش خود بخشی از اهمیت پرسش است.

مردم چه در پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و چه در امتداد آن در قالب جمهوری اسلامی نقش بسزایی دارند، به این معنا که مبانی انقلاب اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی این نقش را به خوبی تبیین کرده‌اند. از طرف دیگر اگر نظریه مردم‌سالاری دینی را نظریه حاکم ایران بدانیم، واضح است که مردم رکن رکین این دیدگاه هستند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «همین گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور... انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیات‌بخش و نجات‌بخش او بود.»[۱] یا در جای دیگر بیان می‌دارند: «یک سر مردم‌سالاری عبارت است از اینکه تشکیل نظام به وسیله اراده و رای مردم صورت گیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند؛ مسئولان اساسی را به واسطه یا بی‌واسطه انتخاب می‌کنند.»[۲] حضرت امام خمینی (ره) هم می‌فرمایند: «مردم را در همه امور شرکت بدهیم... دولت عامل اینهاست، قوه قضائیه عامل اینهاست، قوه اجراییه عامل اینهاست، قوه مقننه عامل اینهاست؛ ادای تکلیف باید بکنند، شرکت بدهند مردم را در همه امور....»

به نظر می‌رسد از حیث نظری و مبنایی در باب مردم و نقش آن در مبانی انقلاب اسلامی و بیانات حضرت امام و مقام معظم رهبری به وفور می‌توان مطالب متعددی را پیدا کرد، اما در رده مسئولان و مدیران اجرایی میانی بعضا نگاه به مردم از یک آسیب رنج می‌برد و آن مربوط به وجه «جمعی بودن» معنای مردم است.

در نظام مردم‌سالاری دینی اساسا زمانی «مردم» به نقش خود جامه عمل خواهند پوشاند که هویت جمعی آنها دیده شود. اشاره آیات قرآن به «لِیقُوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»[۳] یا «لَایغَیرُ مَابِقَوْمٍ حَتَّی یغَیرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»[۴] مبتنی بر این وجه جمعی است، یعنی هویت جمعی و جمع بودن در نتیجه آیه موثر است. توضیح کامل این آیات و این مساله از نگاه دینی که جمع‌بودگی صفت ملل، موفق و مطلوب است در این مقال نمی‌گنجد.

مساله دیگر پذیرش معنای مردم است. مردم دقیقا همان مردم کف جامعه (نه به معنای منفی‌اش) هستند. مردمی که در جامعه زندگی روزمره دارند و می‌توانند از نخبگان تا قشر کم‌سواد را شامل شوند. می‌تواند دکتر و مهندس و معلم و کارمند تا کارگر و بیکار و... را دربرگیرد. مردم اگر قرار باشد کنشگری‌شان مفید واقع شود، غیر از توجه به هویت جمعی که بیان شد، باید به همان وسعت مصداقی در صحنه حاضر شوند. همان‌گونه که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی از همه اقشار و حتی ادیان و مذاهب را در صحنه مبارزاتی علیه طاغوت شاهد بودیم. لذا حضرت امام اینگونه می‌فرمایند: «من با هر قشری که از ملت بزرگ اسلام و ملت عظیم ایران مواجه می‌شوم، می‌بینم که به ما حق دارند. من هر قشری را که ملاقات می‌کنم، می‌بینم که حق خاصی به ما دارند... تمام اقشار ملت سهیم در این حق هستند. اگر نیروی بزرگ ملت، با وحدت کلمه و با اتکا به خدای عظیم نبود، نمی‌دانم که حالا حال ما چه بود؛ در زندان‌ها به سر می‌بردیم یا در تبعید.»[۵] اینگونه بود که مردم‌سالاری به معنای واقعی رقم خورد. در امتداد انقلاب و جمهوری اسلامی هم همین اصل باید رعایت شود؛ حضور حداکثری مصداقی و همه‌جانبه مردم در صحنه اداره کشور.

یکی از تقلیل‌های مصداقی، تقلیل معنای مردم به نخبگان است که تقلیلی خطرناک خواهد بود. هرچند نخبگان به‌عنوان رهبران میانی می‌توانند مردم را از نظر فکری و اندیشه‌ای ارتقا دهند و از این حیث قابل احترام و مهم هستند، اما نهایتا آنها فقط جزئی از مردم هستند نه تمام مردم، لذا تصمیم‌گیری در نهادهای بالادستی توسط نخبگان بدون آنچه در فکر مردم کف جامعه می‌گذرد، تقلیل معنای مردم است. این تقلیل با عدم توجه به «ادراک اجتماعی» مردم شدت می‌گیرد. ادراک اجتماعی اشاره به تصویر جمع قابل توجهی از مردم نسبت به مسائل جامعه دارد و می‌تواند در وفاق اجتماعی، مشارکت سیاسی و نظم اجتماعی را گسترش دهد و برعکس عدم توجه به این ادراک می‌تواند فاصله مردم با حاکمیت را افزایش دهد. لذا تصمیم‌گیری‌های مردمی باید از مردم آغاز گردد و مساله از کف جامعه شکل بگیرد و آن وقت در نهادهای بالادستی، نخبگان به مثابه نمایندگان مردم که زیست مشترک با مردم نیز داشته‌اند، تصمیم‌گیری کنند. این تصمیم‌گیری اساسا با تصمیم‌گیری‌های در خلأ متفاوت است.

تقلیل دیگر معنای مردم، تقلیل مردم به «طرفداران» و «همفکران» است، یعنی اینگونه بیندیشیم که مردم یعنی کسانی که با ما همفکر و هم‌سلیقه هستند. بخشی از این تلقی را می‌توان در زمانی که مشارکت‌های انتخاباتی پایین می‌آید در برخی از مسئولان مشاهده کرد، آنجا که به این مشارکت پایین اکتفا می‌کنند چون آنها رای آورده‌اند. این همان تقلیل معنای مردم به طرفداران است. در اینجا مسئول و مدیری که وجه جمع‌بودگی معنای مردم را ملتفت است کاهش مشارکت را به‌عنوان یک دغدغه طرح می‌کند و دنبال راه چاره می‌گردد. این یک مثال بود. مثال دیگر می‌تواند در اقتصاد باشد، جایی که ذیل مردمی‌سازی اقتصاد، مجددا واگذاری‌ها و مشارکت‌ها میان نهادها و شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی دست به دست می‌شود و باز هم از مردم به معنای جمعی‌اش خبر خاصی نیست.

حضور مردم در صحنه مبارزات انقلاب هرچند در این یادداشت تکرار شد، اما واقعا بهترین تصویر برای تقریب به ذهن از فهم معنای واقعی مردم با وجه جمع‌بودگی است. اگر آن تصویر را بیشتر تئوریزه و کمی‌سازی کنیم، می‌تواند الگویی برای ایران امروز تولید کند. شاید احیای معنای «نهضت» به پررنگ کردن وجه جمعی مردم کمک کند. نهضت اشاره به وجه مردمی بودن دارد که جمع‌بودگی نیز در آن هست، اما شرایط اداره اساسا نهضت‌ها را به سمت تبدیل شدن به نظام می‌برد که امری لابد است. واضح است که در تبدیل نهضت به نظام اگر رکن‌های اصلی نهضت مانند مردمی بودن حفظ نشود نظام فقط یک سازوکار بروکراتیک ساختاری می‌شود که احیانا مردم در آن کمتر ایفای نقش می‌کنند. به نظر می‌رسد دولت‌سازی مدنظر و تاکید مقام معظم رهبری هم اشاره به همین دارد که دولت اسلامی دولت بروکراسی‌زده سخت نیست، بلکه مردم به صورت فعال و جمعی همچنان به مانند نهضت با همه مشخصه پویایی‌اش، در آن حضور دارند.

پانوشت‌ها:

[۱] بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۰/۳/۱۴

[۲] بیانات در دیدار مسئولان نظام اسلامی با مقام معظم رهبری ۱۳۹۷/۹/۱۲

[۳] سوره حدید- آیه ۲۵: «همانا ما پیمبران خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هرچند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است.»

[۴] سوره رعد- آیه ۱۱: «برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.»

[۵] امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ۲۱ جلدی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، ۱۳۵۸/۲/۸.

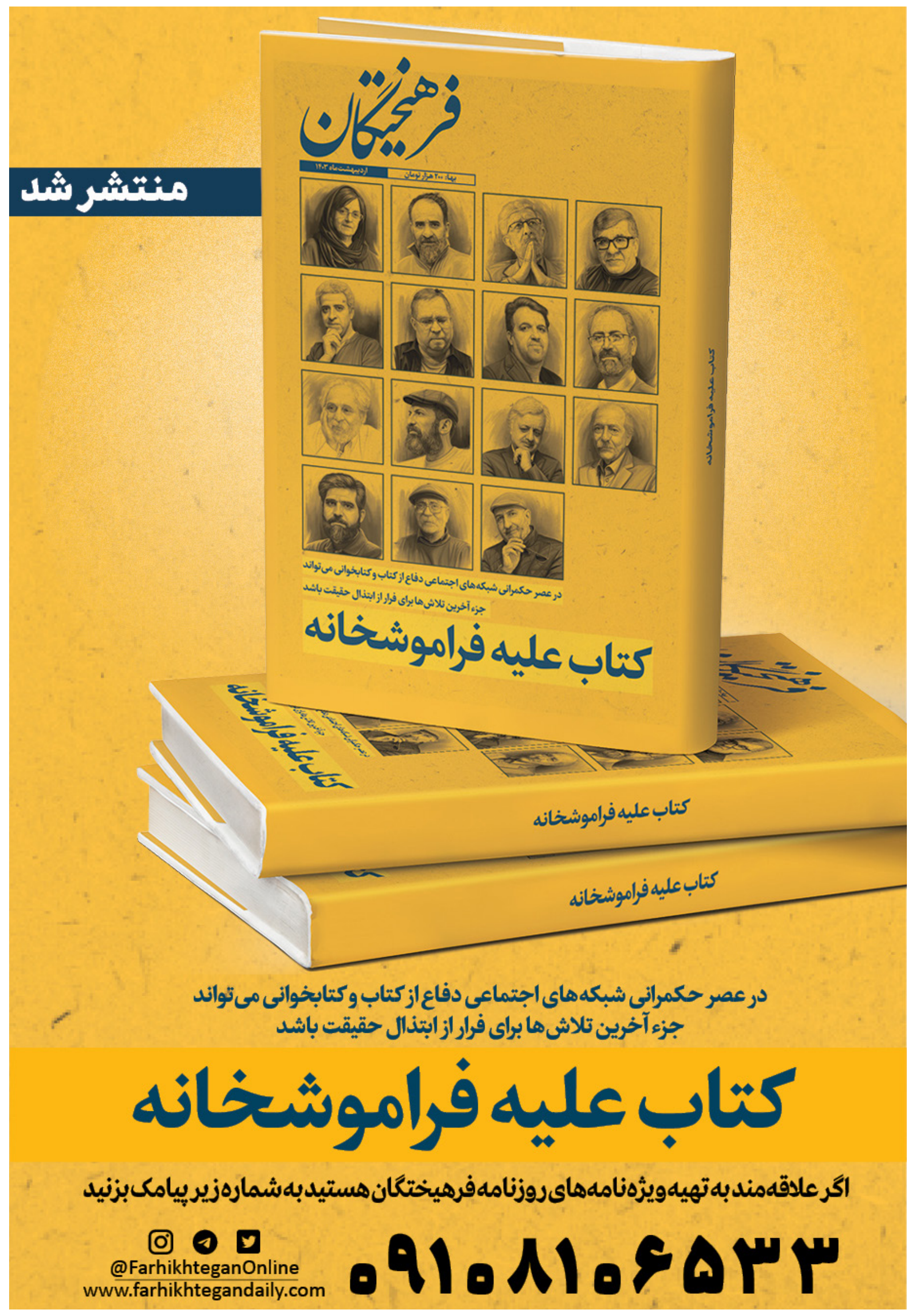

منتشر شد
در عصر حکمرانی شبکه‌های اجتماعی دفاع از کتاب و کتابخوانی می‌تواند
جزء آخرین تلاش‌ها برای فرار از ابتذال حقیقت باشد
کتاب علیه فراموشخانه
اگر علاقه‌مند به تهیه ویژه‌نامه‌های روزنامه فرهیختگان هستید به شماره زیر پیامک بزنید
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۳
@FarhikhteganOnline
www.farhikhtegandaily.com